



روزنامه

امروز شما

متولدین فروردین:

سعی کنید در چنین روزی وقتتان را بیشتر به تهیهی خود اختصاص دهید و در مورد راهی که تمایل دارید در پیش بگیرید، خوب بیاندیشید. وقتتان را صرف افرادی که به شما اهمیت نمی‌دهند، نکنید. اتفاقاتی که اخیراً برایتان پیش آمده، تاثیر زیادی بر روحیه شما گذاشته است.

متولدین اردیبهشت:

امروز احساس خوبی را تجربه می‌کنید بنابراین آن را به سادگی از دست ندهید. بهتر است با شریک زندگی خود قرار ملاقاتی بگذارید و فعالیتی را که هر دوی شما به آن علاقه دارید، انجام دهید.

متولدین خرداد:

گویا هر چه سعی می‌کنید مسائل را برای دیگران بیشتر توضیح دهید، نتیجه عکس می‌دهد و دیگران آن‌ها را زیاد جدی نمی‌گیرند و ساده از کنارشان می‌گذرند. سعی کنید از توضیح بیش از حد و جزئیات غیر ضروری بپرهیزید و اصل مطلب را بیان کنید.

متولدین تیر:

شما با کمک افراد دور و برتان احساس شادی و آزادی بسیاری خواهید کرد. با افرادی که اهداف و آرزوهای مشابهی با شما دارند بیشتر در ارتباط باشید. هرچه خلافت و اطلاعاتتان بیشتر باشد، موفق تر خواهید شد. شاید در رابطه عاطفی خود دچار مشکل شوید، اما به جای منفی بافی با دیدی مثبت به مسائل بنگرید.

متولدین مرداد:

امروز به شدت مراقب حرف‌هایی که در جمع درباره دیگران می‌زنید، باشید. اگر اعتماد به نفس کافی داشته باشید هیچگاه شیوه زندگی دیگران را مورد قضاوت قرار نخواهید داد و آنها را متهم نخواهید کرد.

متولدین شهریور:

شور زندگی و اشتیاق در شما موج می‌زند، آن را با اطرافیان نیز تقسیم کنید. شما جایگاه خود را در مسائل احساسی پیدا کرده‌اید و نسبت به شرایط و اطراف خود آگاهی کامل دارید.

متولدین آبان:

شما در اوج موفقیت خود به سر می‌برید و درباره اتفاقاتی که قرار است در آینده ای نزدیک در زندگی شما بیفتد، هیجان زده هستید. دوست دارید به پله‌های بالاتری قدم بگذارید تا وسعت دیدتان نسبت به اطراف وسیع تر شود.

متولدین آبان:

اگر امروز با مشکلات عاطفی برخورد کنید، بگذارید قلبتان تصمیم نهایی را بگیرد. احساسات شما در این ماه به اوج خود می‌رسد و روزی خوبی را تجربه خواهید کرد بنابراین با مشکلات کوچک خودتان را نیازید.

متولدین آذر:

امروز قلبتان را باز بگذارید و در ارتباطات خود سخت گیر نباشید. بیشتر افراد از به اشتراک گذاشتن احساسات خود با دیگران در هراند اما شما فکر نکنید که باید آن‌ها را مانند یک راز در دل خود نگه دارید بلکه درست برعکس، در بیان آن‌ها آزادانه عمل کنید.

متولدین دی:

حضور شما تاثیر زیادی بر دیگران، به خصوص دوستانتان، خواهد گذاشت، آن را نادیده نگیرید و برای به دست آوردن دل آنهایی که دوستشان دارید، تلاش کنید.

متولدین بهمن:

زمانی که صحبت از عشق و عاشقی می‌شود، شما عصبانی و دلگیر می‌شوید گویی در شرایط سختی به سر می‌برید. مشکل اینجاست که چیزی بین رابطه شما با کسی که دوستش دارید جدایی می‌اندازد و به جای نزدیکی، مدام از هم دورتر می‌شوید.

متولدین اسفند:

امروز اعتماد به نفستان آفت افزایش می‌یابد که قادر به رهایی از هر شرایط دشواری هستید. سعی کنید در مورد مسائل و مشکلاتتان خیلی احساسی برخورد نکنید.

خواندنی

ساکنان عجیب ترین روستاهای جهان



مردم این روستاها با ساکنان تمامی روستاهای دنیا تفاوت دارند. این تفاوت آتقدر زیاد است که باعث شده نام آنها در فهرست عجیب‌ترین روستاهای دنیا بیاید. به گزارش جام جم آنلاین، این مردم یا به خاطر شرایط طبیعی که در آن قرار گرفته‌اند و یا به دلیل علایق شخصی خودشان، سبک زندگی خاصی دارند که آنها را مشهور کرده است.

روستای یک کلیه ای ها:

ساکنان روستای «هاکس» در نپال، آتقدر فقیر هستند که مجبورند کلیه خود را برای تامین دسترسی به این روستا راه آبی است که چندین کیلومتر در سرتاسر روستا کشیده شده است و به همین دلیل به روستا لقب «ونیز» داده‌اند. این روستا زیاد رفت و آمد می‌کنند و هر بار با دست پر برمی‌گردند. قاچاقچی ها افرادی را که تمایل به فروش کلیه دارند به جنوب هندوستان می‌برند تا در آنجا عمل جراحی لازم انجام شود. قاچاقچی ها به دروغ به روستاییان می‌گویند که کلیه آنها دوباره رشد خواهد کرد و به این ترتیب آنها را فریب می‌دهند. یکی از این قاچاقچیان می‌گوید «گیتا» -زنی با چهار فرزند- بود که یکی از کلیه هایش را به مبلغ ناچیز دو هزار دلار فروخت و یک خانه خرید اما خانه در زلزله سال ۲۰۱۵ با خاک یکسان شد البته گاهی اوقات قاچاقچیان مردم این روستا را می‌ربزند اما دوربین هایی در سراسر روستا نصب شده است و آنها کاملاً زیر نظر هستند تا مبادا به خودشان صدمه بزنند.

روستای بولون جاده:

در روستای «گیتون» هلند هیچ جاده ای وجود ندارد. تنها راه دسترسی به این روستا راه آبی است که چندین کیلومتر در سرتاسر روستا کشیده شده است و به همین دلیل به روستا لقب «ونیز» داده‌اند. این روستا زیاد رفت و آمد می‌کنند و هر بار با دست پر برمی‌گردند. قاچاقچی ها افرادی را که تمایل به فروش کلیه دارند به جنوب هندوستان می‌برند تا در آنجا عمل جراحی لازم انجام شود. قاچاقچی ها به دروغ به روستاییان می‌گویند که کلیه آنها دوباره رشد خواهد کرد و به این ترتیب آنها را فریب می‌دهند. یکی از این قاچاقچیان می‌گوید «گیتا» -زنی با چهار فرزند- بود که یکی از کلیه هایش را به مبلغ ناچیز دو هزار دلار فروخت و یک خانه خرید اما خانه در زلزله سال ۲۰۱۵ با خاک یکسان شد البته گاهی اوقات قاچاقچیان مردم این روستا را می‌ربزند و آنها دوربین هایی در سراسر روستا نصب شده است و آنها کاملاً زیر نظر هستند تا مبادا به خودشان صدمه بزنند.

روستای آلزایمری ها:

در نزدیکی آستردام هلند روستایی به نام «دمتیا» قرار دارد که ساکنان این روستا ۱۵۲ نفر هستند که همگی از فراموشی و دیگر بیماری های حافظه رنج می‌برند. این روستا طوری طراحی شده که شبیه یک شهر بزرگ است و همه امکانات در آن دیده می‌شود. ساکنان آزادانه در روستا می‌چرخند، خرید می‌کنند، در رستوران غذا می‌خورند و قدم می‌زنند اما دوربین هایی در سراسر روستا نصب شده است و آنها کاملاً زیر نظر هستند تا مبادا به خودشان صدمه بزنند.

روستای کتوله ها:

«پانگسی» روستای دور افتاده ای مردم روستا، ساعت‌ها و حتی روزها است دانشمندان را به خود مشغول کرده است چرا که بیش از ۴۰ درصد از ساکنان روستا کتوله هستند.

ساکنان روستا کوتاه قدی ساکنان روستا فقط یک نظریه منطقی

گفت‌وگو با امیرحسین رستمی، بازیگر سریال «لیسانسه‌ها»؛ بازیگری برایم جدی است

سریال را قبول کرده‌ام. اصلاً چرا شما فکر کرده‌اید قرار است باز هم نقش یک جوان ساده و کم‌هوش را بازی کنم؟

برای این که آن نگاه‌های مات و گیج که معمولاً در بازی‌هایتان به نمایش می‌گذارید، حالا دارد به امضای بازیگری شما بدل می‌شود!

به من بگویید آیا این نگاه را در سریال دختران خوا دیدید؟ در سریال شهرزاد چطور؟ در آخرین بازی، به تکه زمین و...؟

لازم نیست همه سریال‌هایتان را نام ببرید؛ قبول کردم، اما دست‌کم در سریال‌های طنز شما این نگاه محسوس است!

سریال‌های طنز من شمس‌العماره، دودکش و پادری بود که دوتای آخری در واقع یک سریال محسوب می‌شوند و من هم یک نقش را در هر دو بازی کرده‌ام و سریال «لیسانسه‌ها» هم هنوز پخش نشده است. در سریال شمس‌العماره که سال ۸۸ پخش شد، من نقش یک پسر ساده را به عهده داشتم و در دودکش نقش بهروز را بازی کردم که او هم ساده بود، اما از طبقه دیگری. در لیسانسه‌ها هم نقش یک جوان فرصت‌طلب و پرتوقع را بازی می‌کنم؛ این سریال‌ها هیچ کدامشان ربطی به هم ندارند و نقش‌های من هم همین طور. وجه تشابه هر سه نقش این است که من آنها را بازی کرده‌ام. ولی به نظرم شکور در شمس‌العماره و بهروز سریال دودکش خیلی شیوه هم هستند!

آن نگاه‌های که شما می‌گویید فقط در نقش بهروز وجود داشت؛ آن هم به شخصیت این نقش ارتباط داشت و ویژگی‌هایی که برای او تعریف شده بود و به دلیل همین ویژگی‌ها، او نگاه‌های خاصی داشت و به اطرافش طوری نگاه می‌کرد که انگار می‌تواند به این شیوه واقفیت رودرو نشود!

بهروز گاهی به فضاهای خالی و به اطرافش طوری نگاه می‌کرد که انگار می‌تواند به این شیوه با واقفیت رودرو نشود!

در نقش شمس‌العماره که سال ۸۸ پخش شد، من نقش یک پسر ساده را به عهده داشتم و در دودکش نقش بهروز را بازی کردم که او هم ساده بود، اما از طبقه دیگری نمی‌توانم همزمان چند کار را با هم پیش ببرم که اگر این اتفاق بیفتد نتیجه خیلی عجیب و غریب خواهد شد.

مطالعات مرتبط با بازیگری خیلی به کار جلوی دوربین نمی‌آید. دانشی است که بیشتر پشت دوربین و در عرصه‌های آکادمیک مناسب است، چون آنجا لازم است همیشه به روز باشید.

بازیگری برایتان جدی است؟ شما این طور حس نمی‌کنید؟ بله! این طوری حس نمی‌کنید؟

بازیگری برایم جدی است؛ این طوری حس نمی‌کنید؟ بله! این طوری حس نمی‌کنید؟

بازیگری برایم جدی است؛ این طوری حس نمی‌کنید؟ بله! این طوری حس نمی‌کنید؟

بازیگری برایم جدی است؛ این طوری حس نمی‌کنید؟ بله! این طوری حس نمی‌کنید؟

بازیگری برایم جدی است؛ این طوری حس نمی‌کنید؟ بله! این طوری حس نمی‌کنید؟

بازیگری برایم جدی است؛ این طوری حس نمی‌کنید؟ بله! این طوری حس نمی‌کنید؟

بازیگری برایم جدی است؛ این طوری حس نمی‌کنید؟ بله! این طوری حس نمی‌کنید؟

بازیگری برایم جدی است؛ این طوری حس نمی‌کنید؟ بله! این طوری حس نمی‌کنید؟

بازیگری برایم جدی است؛ این طوری حس نمی‌کنید؟ بله! این طوری حس نمی‌کنید؟

بازیگری برایم جدی است؛ این طوری حس نمی‌کنید؟ بله! این طوری حس نمی‌کنید؟



گفت‌وگو با امیرحسین رستمی حتی اگر با سوال و جواب‌های جدی یا حتی تند همراه باشد، خشک و جدی نخواهد شد. لحن شوخ این بازیگر و طنزهای همیشگی او به جلوی دوربین خلاصه نمی‌شود و تقریباً هر آینه می‌توان تصویر مهمی از شکور «شمس‌العماره» یا بهروز «دودکش» را در رفتار و حرکات او رویت کرد.

گفت‌وگو با امیرحسین رستمی حتی اگر با سوال و جواب‌های جدی یا حتی تند همراه باشد، خشک و جدی نخواهد شد. لحن شوخ این بازیگر و طنزهای همیشگی او به جلوی دوربین خلاصه نمی‌شود و تقریباً هر آینه می‌توان تصویر مهمی از شکور «شمس‌العماره» یا بهروز «دودکش» را در رفتار و حرکات او رویت کرد.

گفت‌وگو با امیرحسین رستمی حتی اگر با سوال و جواب‌های جدی یا حتی تند همراه باشد، خشک و جدی نخواهد شد. لحن شوخ این بازیگر و طنزهای همیشگی او به جلوی دوربین خلاصه نمی‌شود و تقریباً هر آینه می‌توان تصویر مهمی از شکور «شمس‌العماره» یا بهروز «دودکش» را در رفتار و حرکات او رویت کرد.

گفت‌وگو با امیرحسین رستمی حتی اگر با سوال و جواب‌های جدی یا حتی تند همراه باشد، خشک و جدی نخواهد شد. لحن شوخ این بازیگر و طنزهای همیشگی او به جلوی دوربین خلاصه نمی‌شود و تقریباً هر آینه می‌توان تصویر مهمی از شکور «شمس‌العماره» یا بهروز «دودکش» را در رفتار و حرکات او رویت کرد.

گفت‌وگو با امیرحسین رستمی حتی اگر با سوال و جواب‌های جدی یا حتی تند همراه باشد، خشک و جدی نخواهد شد. لحن شوخ این بازیگر و طنزهای همیشگی او به جلوی دوربین خلاصه نمی‌شود و تقریباً هر آینه می‌توان تصویر مهمی از شکور «شمس‌العماره» یا بهروز «دودکش» را در رفتار و حرکات او رویت کرد.

گفت‌وگو با امیرحسین رستمی حتی اگر با سوال و جواب‌های جدی یا حتی تند همراه باشد، خشک و جدی نخواهد شد. لحن شوخ این بازیگر و طنزهای همیشگی او به جلوی دوربین خلاصه نمی‌شود و تقریباً هر آینه می‌توان تصویر مهمی از شکور «شمس‌العماره» یا بهروز «دودکش» را در رفتار و حرکات او رویت کرد.

گفت‌وگو با امیرحسین رستمی حتی اگر با سوال و جواب‌های جدی یا حتی تند همراه باشد، خشک و جدی نخواهد شد. لحن شوخ این بازیگر و طنزهای همیشگی او به جلوی دوربین خلاصه نمی‌شود و تقریباً هر آینه می‌توان تصویر مهمی از شکور «شمس‌العماره» یا بهروز «دودکش» را در رفتار و حرکات او رویت کرد.

گفت‌وگو با امیرحسین رستمی حتی اگر با سوال و جواب‌های جدی یا حتی تند همراه باشد، خشک و جدی نخواهد شد. لحن شوخ این بازیگر و طنزهای همیشگی او به جلوی دوربین خلاصه نمی‌شود و تقریباً هر آینه می‌توان تصویر مهمی از شکور «شمس‌العماره» یا بهروز «دودکش» را در رفتار و حرکات او رویت کرد.

گفت‌وگو با امیرحسین رستمی حتی اگر با سوال و جواب‌های جدی یا حتی تند همراه باشد، خشک و جدی نخواهد شد. لحن شوخ این بازیگر و طنزهای همیشگی او به جلوی دوربین خلاصه نمی‌شود و تقریباً هر آینه می‌توان تصویر مهمی از شکور «شمس‌العماره» یا بهروز «دودکش» را در رفتار و حرکات او رویت کرد.

گفت‌وگو با امیرحسین رستمی حتی اگر با سوال و جواب‌های جدی یا حتی تند همراه باشد، خشک و جدی نخواهد شد. لحن شوخ این بازیگر و طنزهای همیشگی او به جلوی دوربین خلاصه نمی‌شود و تقریباً هر آینه می‌توان تصویر مهمی از شکور «شمس‌العماره» یا بهروز «دودکش» را در رفتار و حرکات او رویت کرد.

گفت‌وگو با امیرحسین رستمی حتی اگر با سوال و جواب‌های جدی یا حتی تند همراه باشد، خشک و جدی نخواهد شد. لحن شوخ این بازیگر و طنزهای همیشگی او به جلوی دوربین خلاصه نمی‌شود و تقریباً هر آینه می‌توان تصویر مهمی از شکور «شمس‌العماره» یا بهروز «دودکش» را در رفتار و حرکات او رویت کرد.

گفت‌وگو با امیرحسین رستمی حتی اگر با سوال و جواب‌های جدی یا حتی تند همراه باشد، خشک و جدی نخواهد شد. لحن شوخ این بازیگر و طنزهای همیشگی او به جلوی دوربین خلاصه نمی‌شود و تقریباً هر آینه می‌توان تصویر مهمی از شکور «شمس‌العماره» یا بهروز «دودکش» را در رفتار و حرکات او رویت کرد.

گفت‌وگو با امیرحسین رستمی حتی اگر با سوال و جواب‌های جدی یا حتی تند همراه باشد، خشک و جدی نخواهد شد. لحن شوخ این بازیگر و طنزهای همیشگی او به جلوی دوربین خلاصه نمی‌شود و تقریباً هر آینه می‌توان تصویر مهمی از شکور «شمس‌العماره» یا بهروز «دودکش» را در رفتار و حرکات او رویت کرد.

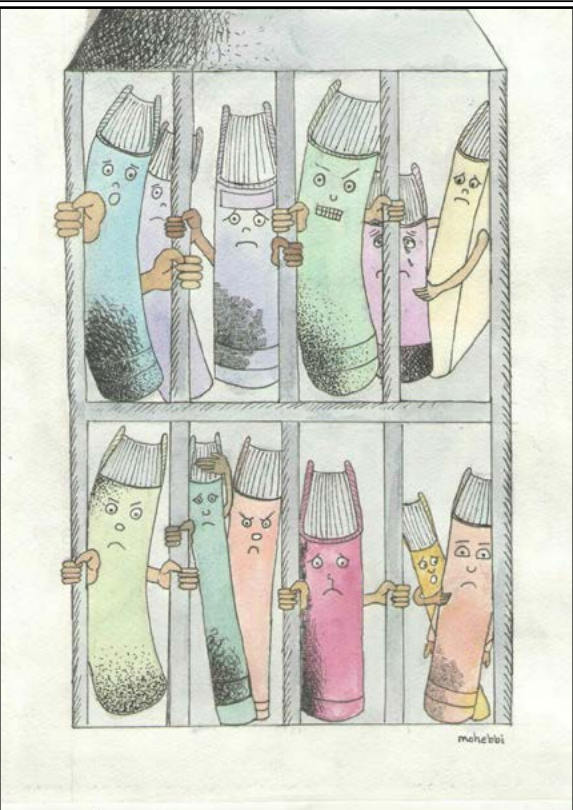
گفت‌وگو با امیرحسین رستمی حتی اگر با سوال و جواب‌های جدی یا حتی تند همراه باشد، خشک و جدی نخواهد شد. لحن شوخ این بازیگر و طنزهای همیشگی او به جلوی دوربین خلاصه نمی‌شود و تقریباً هر آینه می‌توان تصویر مهمی از شکور «شمس‌العماره» یا بهروز «دودکش» را در رفتار و حرکات او رویت کرد.

گفت‌وگو با امیرحسین رستمی حتی اگر با سوال و جواب‌های جدی یا حتی تند همراه باشد، خشک و جدی نخواهد شد. لحن شوخ این بازیگر و طنزهای همیشگی او به جلوی دوربین خلاصه نمی‌شود و تقریباً هر آینه می‌توان تصویر مهمی از شکور «شمس‌العماره» یا بهروز «دودکش» را در رفتار و حرکات او رویت کرد.

گفت‌وگو با امیرحسین رستمی حتی اگر با سوال و جواب‌های جدی یا حتی تند همراه باشد، خشک و جدی نخواهد شد. لحن شوخ این بازیگر و طنزهای همیشگی او به جلوی دوربین خلاصه نمی‌شود و تقریباً هر آینه می‌توان تصویر مهمی از شکور «شمس‌العماره» یا بهروز «دودکش» را در رفتار و حرکات او رویت کرد.

کاریکاتور

مریم محبی



هرمز شجاعی مهر: از درمان بیماری تا پاسخگویی به شایعات

شایعه سرطان، خانواده‌ام را با بحران روبه‌رو کرد

به حنجره نداشت. تیروئیدم درگیر یک غده شده بود که خدا را شکر خوش‌خیم بود و دیگر نیازی به شیمی‌درمانی و جراحی‌های بعدی ندارد. تحت درمان خواهم بود و پزشکان امیدوارند با مشکل خاصی روبه‌رو نشوم.

زمانی که به شما گفتند گلویتان درگیر بیماری شده و احتمال سرطان هست، چگونه با این موضوع برخورد کردید، به هر حال شما مجری و گوینده هستید و حنجره و گلو به نوعی ابزار حرفه و شغل شماست؟

بدون اغراق و ریاکاری می‌گویم، باور دارم که خداوند مرا دوست دارد، هر اتفاقی که برآیم رخ می‌دهد از خداوند تشکر می‌کنم؛ چون معتقدم که حتما حکمت و مصلحتی بوده که من از آن بی‌خبرم. در ساعات اولیه که خبر را به من دادند، طبیعی است که کمی شوکه شوم و به این فکر می‌کنم که چه باید بکنم، اما بعد از گذشت چند ساعتی خیلی راحت آن را پذیرفتم. به نظرم خداوند در مسیر زندگی‌ام بدی قرار نمی‌دهد.

حتی بیماری؟ بله! حتما پشت پرده بیماری‌ای که من به آن مبتلا شده‌ام، حکمت و مصلحتی وجود دارد.

پس خیلی تسلیت مشتیت خداوند هستید؟ عارف و شوریده نیستم! اما معتقدم خداوند سر راه بندگانش شر و بدی قرار نمی‌دهد.

تسلیم مشتیت الهی بودن کار بزرگی است که خیلی‌ها در عمل به آن کم می‌آورند؛ این تسلیم ریشه در اعتقادات خودتان، تربیت خانوادگی یا تجربه زندگی دارد؟

مرور زمان و تجربه‌های مختلف به من آموخت بهترین راه زندگی تسلیم در برابر مشیت الهی است. با افراد زیادی نشست و برخاست داشتم؛ از جانباز جنگ گرفته تا آدم‌های نیازمندی که تجربه‌های تلخی در زندگی داشته‌اند. این همنشینی باعث شده به اتفاقات زندگی طور دیگری نگاه کنم و در همه آنها خیر و برکت ببینم. وقتی پزشکان درباره بیماری‌ام با خانواده‌ام صحبت کردند آنها خیلی پریشان و نگران شدند، اما چون خودم آرام بودم، توانستم آنها را هم آرام و توجیه‌شان کنم که چیز مهمی نیست.

می‌توان این بیماری را به حساب یک تلنگر گذاشت؟ من اسمش را شوخی خدا با خودم می‌گذارم تا حواسم بیشتر جمع باشد. شایعانی که در چنین شرایطی در فضای مجازی منتشر می‌شود چه تاثیری روی خود شما و اطرافیان داشت؟

خیلی بد بود! وقتی این خبر در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، اتفاقات بدی برای ما رخ داد. اقوام، خواهر و برادرهایم در شهرستان زندگی می‌کنند. آنها از طریق شبکه‌های اجتماعی متوجه شده بودند که مبتلا به سرطان حنجره شده‌ام! این خبر آنها را بسیار نگران کرده و حتی خواهرم دچار مشکل قلبی شده بود. انتشار این شایعات بسیار آزاردهنده و حتی خطرناک است و شاید باعث فوت اطرافیان شود. همسر و فرزندانم چند روز فقط پاسخگویی تلفن اقوامی بودند که در شهرستان هستند و با شنیدن خبر سرطان حنجره به شدت نگران شده بودند. در نهایتی که اخبار بیشتر از طریق فضای مجازی منتشر می‌شود، اخلاق‌مداری حرف اول را می‌زند، نباید هر شیده‌ای را بدون این که صحت و سقم آن مشخص شود، نشر داد. شایعه سرطان، خانواده‌ام را با بحران روبه‌رو کرد.

خبر خیلی زود در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد و همه‌جا پر شد از این که هرمز شجاعی مهر به سرطان حنجره مبتلاست! بعد از چند ساعت خبر تک‌ذیب شد، اما صورت مساله پاک نشد! این مجری و گوینده باسابقه صداوسیما بیمار است، اما این که بیماری چیست، حکایت همان ضرب‌المثل قدیمی است؛ یک کلاغ، چهل کلاغ! با شجاعی مهر که این روزها در خانه مشغول استراحت است، هم‌صحبت شدیم تا از روزهای درمان و بعد از آن برآیمان بگویید.

قضیه سرطان حنجره و تک‌ذیب آن چه بود؟ از دو سه ماه قبل گلویم تحریک می‌شد و اذیتم می‌کرد. به چند پزشک متخصص مراجعه کردم، اما گفتند چیزی نیست و جدی‌اش نگیرم تا این که مع دست پسرم شکست و برای درمان او به یک مجتمع پزشکی مراجعه کردم، دکتر شفاعت با دیدن من گفت: «به نظرم تیروئیدت مشکل دارد». در معاینه اولیه متوجه شد غده‌ریزی روی تیروئیدم وجود دارد. برایم اسکن نوشت و بعد مشخص شد غده خوش‌خیم است، اما امکان دارد گسترش پیدا کند، به همین دلیل بعد از بررسی به این نتیجه رسیدند که تیروئید را جراحی و آن را کاملاً خارج کنند. عمل جراحی پنج ساعت طول کشید و دو روز در بیمارستان بستری بودم و الان هم در منزل استراحت می‌کنم و طبق گفته پزشکان با توکل به خدا تا دو ماه دیگر سالم خوب می‌شود. وقتی تیروئید کاملاً خارج می‌شود، درمان باید از راه‌های دیگر ادامه پیدا کند. باید منتظر بمانم تا یک ماه از جراحی بگذرد تا مشخص شود به پدیدرمانی نیازی هست یا نه.

پس این که گفته شد شما به سرطان مبتلا شده‌اید، شایعه بود؟ شایع شد سرطان حنجره دارم که کاملاً اشتباه بود و بیماری‌ام ربطی

خبر خیلی زود در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد و همه‌جا پر شد از این که هرمز شجاعی مهر به سرطان حنجره مبتلاست! بعد از چند ساعت خبر تک‌ذیب شد، اما صورت مساله پاک نشد! این مجری و گوینده باسابقه صداوسیما بیمار است، اما این که بیماری چیست، حکایت همان ضرب‌المثل قدیمی است؛ یک کلاغ، چهل کلاغ! با شجاعی مهر که این روزها در خانه مشغول استراحت است، هم‌صحبت شدیم تا از روزهای درمان و بعد از آن برآیمان بگویید.

قضیه سرطان حنجره و تک‌ذیب آن چه بود؟ از دو سه ماه قبل گلویم تحریک می‌شد و اذیتم می‌کرد. به چند پزشک متخصص مراجعه کردم، اما گفتند چیزی نیست و جدی‌اش نگیرم تا این که مع دست پسرم شکست و برای درمان او به یک مجتمع پزشکی مراجعه کردم، دکتر شفاعت با دیدن من گفت: «به نظرم تیروئیدت مشکل دارد». در معاینه اولیه متوجه شد غده‌ریزی روی تیروئیدم وجود دارد. برایم اسکن نوشت و بعد مشخص شد غده خوش‌خیم است، اما امکان دارد گسترش پیدا کند، به همین دلیل بعد از بررسی به این نتیجه رسیدند که تیروئید را جراحی و آن را کاملاً خارج کنند. عمل جراحی پنج ساعت طول کشید و دو روز در بیمارستان بستری بودم و الان هم در منزل استراحت می‌کنم و طبق گفته پزشکان با توکل به خدا تا دو ماه دیگر سالم خوب می‌شود. وقتی تیروئید کاملاً خارج می‌شود، درمان باید از راه‌های دیگر ادامه پیدا کند. باید منتظر بمانم تا یک ماه از جراحی بگذرد تا مشخص شود به پدیدرمانی نیازی هست یا نه.

پس این که گفته شد شما به سرطان مبتلا شده‌اید، شایعه بود؟ شایع شد سرطان حنجره دارم که کاملاً اشتباه بود و بیماری‌ام ربطی